

بوشهر و جنگ جهانی اول

علی سلطانی شایان^۱
چکیده

در جنگ جهانی اول، ایران تبدیل به عرصه‌ای برای کارزار روسیه، عثمانی، انگلیس و حتی آلمان‌ها شد. قبل از این انگلیس و روسیه طی قرارداد ۱۹۰۷ ایران را به سه منطقه تحت نفوذ تقسیم کرده بودند: روس‌ها در شمال، انگلیسی‌ها در جنوب، و یک منطقه بی طرف در مرکز.

با آغاز جنگ، موقعیت برتر نظامی و تجاری بوشهر باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. بنابراین انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۳ق. ۱۹۱۵م. در زمان حکمرانی موقدالدوله، آنجا را به تصرف خود در آوردند. با وجود تصرف آسان آنجا، مقاومت‌های سرسرخانه‌ای توسط عشایر تنگستانی و قشقایی، مثل رئیسعلی دلواری، ناصردیوان، صولت‌الدوله، شیخ حسن چاه‌کوتاهی و زایرخان اهرمی در مقابله با نیروهای انگلیسی صورت گرفت. انگلیسی‌ها در سال ۱۳۳۴ق. ۱۹۱۶م. در صفحات جنوبی کشور نیرویی به نام تفنگداران پلیس جنوب را در جهت به کارگیری اهداف خود تشکیل داده و آن را جایگزین نیروی ژاندارمری کردند.

از طرف دیگر واسموس، کنسول آلمان در بوشهر به فعالیت علیه نیروهای انگلیسی پرداخت و موفق شد ضرباتی را به قوای انگلیسی وارد سازد. با وجود مقاومت‌های نیروهای محلی و سران عشایر، انگلیسی‌ها تا پایان جنگ جهانی اول در منطقه حضور داشتند.

واژگای کلیدی: بوشهر، جنگ جهانی اول، اوضاع سیاسی، عشایر، واسموس، موقدالدوله

^۱ کارشناس ارشد تاریخ (استناد و مدارک آرشیوی) دانشگاه تهران A_soltanishayan@yahoo.com

با آغاز جنگ جهانی اول در شوال ۱۳۳۲ق./اوت ۱۹۱۴م. دولت ایران بی طرفی خود را اعلام کرد. ولی قوای طرفین در جنگ به این منطقه یعنی ایران به عنوان یک امتیاز مهم در جهت پیروزی و رسیدن به اهداف خود می نگریستند. آنها می توانستند با تصرف ایران و در اختیار گرفتن آنجا از آن به عنوان پایگاه عملیات های خود استفاده کنند. بنابراین با توجه به قرارداد ۱۹۰۷م. انگلیس و روسیه مانع در سر راه تحقق این هدف نمی دیدند. روسیه از شمال با استفاده از قوای فرقا و انگلیس در جنوب با پاری صاحب منصبان انگلیسی و هندی می توانستند پیشروی کنند. همچنانکه بعدها قرارداد ۱۹۱۵م. دست دو قدرت روس و انگلیس را در ایران بیشتر باز گذاشت؛ چرا که منطقه بی طرف در مرکز ایران از آن انگلیس شد و در عوض دست روسیه نیز در شمال باز گذاشته شد. دولت مرکزی نیز از قدرت کافی برخوردار نبود تا بتواند عکس العمل مناسب را نشان دهد و انگلیس می توانست با استفاده از این ضعف در عین حال که استقلال ایران را تحت نظر خود تأمین می نمود آن را به عنوان حصار و محافظ در مقابل قدرت های دیگر مثل فرانسه، روسیه، آلمان و عثمانی قرار دهد.

با پیوستن عثمانی به جنگ به نفع متحدها، انگلیسیها در پی آن بودند تا بتوانند موقعیت خود را در خلیج فارس تحکیم بخشند. موقعیت برتری که بوشهر در خلیج فارس داشت باعث شد تا آنجا را با وجود مقاومت های پراکنده مورد توجه خود و در نتیجه پایگاه عملیات هایشان در جنوب ایران قرار دهنند. آنها می توانستند در صورت دستیابی به بوشهر آنجا را به صورت پایگاهی جهت عملیات در بین النهرين قرار دهند. همچنانکه نیروهای انگلیسی مستقر در بوشهر مدتی تحت فرماندهی نیروی بین النهرين بودند.(ما برلی، ۱۳۶۹: ۲۱)

عثمانی ها که در فاصله سالهای ۱۳۳۲-۱۲۸۸ق./۱۹۱۴-۱۸۷۱م. در بوشهر حضور داشتند، با آغاز جنگ جهانی اول به دلیل قرار گرفتن در جبهه متحدها و اشغال بوشهر توسط قوای انگلیس در سال ۱۹۱۵م/ ۱۳۳۴ق. مجبور شدند که برای همیشه بوشهر را ترک نمایند.(کاکس، ۱۳۷۷: ۷۱)

آلمن های مقیم بوشهر نیز در آغاز سال ۱۹۱۵م. توسط انگلیسیها توقیف شدند و همه آنها حتی کنسول و دیپلمات های کنسولگری به وسیله هندیان تحت نظر گرفته شدند و

آنان را به هندوستان فرستادند و تحت نظر نگاه داشتند. تنها واسموس^۱ کنسول سابق آلمان فرار اختیار کرده و به تنگستان پناه برد.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۳۶ و ادالا، ۱۳۵۶: ۶۱) او در آنجا موفق شد عشاير دوردست جنوبی را برضد انگلیسی ها بشوراند. واسموس جاسوس رسمی بود و وظیفه اصلی نامبرده هم این بوده است که در خلیج فارس مراقبت نماید، قوایی که از سوی انگلیسی ها به طرف بصره و بغداد می رود، گزارش دهد. ولی زمینه را در ایران و فارس مستعد تشخیص داده و مأموریت گرفته بود که فارس و بنادر را علیه انگلیسی ها بشوراند.(فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۴) او به سرپرستی هیئتی منصوب شده بود که قرار بود ایرانیان و افغانها را به مبارزه با بریتانیا برانگیزد.(مابلی، ۱۳۶۹: ۸۹)

اگر چه فعالیتهای واسموس طی دو سال آغازین جنگ جهانی اول به نتیجه نرسید و دولت ایران رسماً به نفع آلمان وارد جنگ نشد، اما تلاش های وی در نواحی جنوب ایران و به ویژه استان بوشهر موجب گردید تا دولت بریتانیا بیشترین توان نظامی خود را صرف مبارزه با دلیران تنگستانی، دشتی و دشتستانی نماید.(مشايخی، ۱۳۸۶: ۲۰۸) تحریکات واسموس علیه بریتانیا باعث شد نواهای جنگی انگلیسی برای رویارویی با هرگونه خطر احتمالی به جانب بوشهر و دلوار اعزام شوند. برای احضار یک واحد پیاده نظام هندی نیز که عازم بصره بود و برای استقرار احتمالی آن در بوشهر نیز اقداماتی به عمل آمد. هر چند که به خاطر رضایت بخش بودن اوضاع احتیاجی به پیاده کردن نیرو پیدا نشد.(مابلی، ۱۳۶۹: ۹۰)

علی محمدخان موقدالدوله حاکم وقت بوشهر در تلگرافی به تاریخ ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۳۳ق. ۱۲/ مارس ۱۹۱۵م. اوضاع بوشهر را چنین توصیف می کند: «ال ساعه که نیم ساعت به ظهر مانده از مسجد نو بوشهر برگشتم. هیجان عمومی به درجه ای است که فوق تصور است. چنین ازدحامی در بوشهر هیچ وقت دست نداده بود و کل علماء و عموم طبقات اهالی حضور داشته، ملخص خطابه علماء این بود که سه سال است بدون اینکه هیچ ضرر مالی و جانی از بنادر به انگلیسی ها رسیده باشد در آنجا اخلال کرده و

^۱ wassmuss

عده‌ای قشون نگاه داشته و حالا هم هتك حرمت و نقض بی طرفی دولت را کرده اند... مردم منظر اقدامات دولت هستند که فقط به همین امید امروز متفرق شدند و هیچ شبه نیست که باز اجتماع خواهند کرد.»(سپهر، ۱۳۶۲: ۹۶)

ما برلی در حوادث جمادی الثانی ۱۳۳۳ق.م/ ۱۹۱۵م. از برنامه یکی از کدخدايان روستاهای مجاور بوشهر عليه نمایندگی بریتانیا می‌نویسد: «حاکم ایرانی بوشهر(موقرالدوله) در پی اطلاع از برنامه یکی از کدخدايان روستاهای مجاور برای بسیج افراد مسلح و یورش بر نمایندگی بریتانیا، قوایی را در معیت چند ژاندارم برای دستگیری کدخدای مزبور اعزام داشت.» ولی با سرپیچی ژاندارمهای از حکومت، حاکم بوشهر با حمایت نظامی بریتانیا «بر روستا هجوم آورده و کدخدا را دستگیر و اتباعش را پراکنده ساختند.»(ما برلی، ۱۳۶۹: ۱۰۲)

با آغاز جنگ جهانی اول، لیسترنمن^۱ به عنوان کنسول آلمان جانشین واسموس در بوشهر شد.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۱؛ ۱۵۳-۱۵۴؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) لیسترنمن مأمور ایجاد درگیری بین نیروهای محلی با نیروهای انگلیسی بود، مبارزه علیه انگلیسی‌ها در بوشهر و نواحی اطراف سازماندهی کرد و توانست به خرابکاری در تأسیسات تلگرافخانه بوشهر و توزیع اسلحه بین مخالفان انگلیسی‌ها و طرفداران آلمان‌ها دست بزند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۸ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۰) انگلیسی‌ها لیسترنمن و فرد دیگری را به نام اینهوت^۲ (آینهوت) را دستگیر کرده و بلافاصله به هند تبعید کردند و همین امر باعث شد تا مردم بوشهر در اجتماع پرشوری به نقض حاکمیت و بی طرفی ایران اعتراض کرند و خواستار اقدامات

جدی و فوری دولت شدند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۱۵۳)

با وجود اینکه دولت ایران با آغاز جنگ جهانی اول اعلام بی طرفی نمود، ولی انگلیسیها نقض بی طرفی کردن و بوشهر را به عنوان کانون فعالیتهای خود در ایران قرار دادند. از دست دادن بوشهر به معنای تهدید منافع سیاسی و اقتصادی انگلیس بود که این امر در نهایت باعث ضعف آنها در برابر نیروهای آلمان می‌شد.

^۱ Listermann
^۲ Eisenhut

حملات رئیس‌علی دلواری در پی اعتراض به بازداشت لیستمن باعث شد تا دولت بریتانیا با اشغال نظامی بوشهر، کنترل آنجا را در دست بگیرد. آنها با حملات زمینی و دریایی موفق شدند تا بوشهر را اشغال کنند.(همان: ۷۷ و مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) قوای مهاجم انگلیس روز ۲۶ ماه رمضان سال ۱۳۳۳ق. / ۸ اوت ۱۹۱۵م، بوشهر را بدون هیچ مقاومتی تصرف کردند.(سپهر، ۱۳۶۲: ۷۷؛ مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۳۸) انگلیسی‌ها قسمتی از نیروهای هندی و انگلیسی را که بنا بود به بین‌النهرین بروند در بوشهر پیاده کردند و عمارت حکومتی و گمرک و سایر ادارات آنجا را اشغال نمودند و بر فراز آنها پرچم انگلیس را برافراشتند.(فراشبندي، ۱۳۶۵: ۱۴۲ و ۱۴۳) در حدود سی و پنج هزار قشون انگلیسی و هندی با مهمات و هواپیما وارد بوشهر گردید، ستاد ارتش انگلیس به فرماندهی ژنرال ادوارد و ژنرال راگلس در بهمنی برقرار شد.(همان: ۱۴۳)^۱

قوای انگلیسی بلاfacله مقر حاکم بوشهر، ادارات گمرک و ساختمان پست و تلگراف را اشغال نمودند و اشخاص آزادیخواه و وطن دوست بوشهری را دستگیر و به شهر «تانه» هندوستان تبعید کردند.(رکن زاده، ۱۳۷۰: ۱۰۰؛ مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۳) در این موقع انگلیسی‌ها تمبرهایی را که روی آن «بوشهر در تصرف بریتانیا» نوشته شده بود منتشر کردند.(هدایت، ۱۳۶۱: ۲۷۰)

نقض بی طرفی ایران توسط انگلیس و اشغال بندر بوشهر و ضعف حکومت وقت و احساسات ضد انگلیسی که در ایران وجود داشت، باعث شد تا رئیس‌علی دلواری علیه اشغالگران انگلیسی قیام نماید. انگلیسی‌ها نیز که چند روز بعد از ورود به بوشهر، نسبت به رئیس‌علی خان دلواری به عنوان ارتباط با آلمان‌ها سوءظن پیدا کرده برای دستگیری او دلوار را که بندر کوچکی از تنگستان و در شش فرسخی بوشهر است، اول با کشته جنگی بمباران کردند و بعد قوایی پیاده نموده، به قلعه دلوار حمله کردند.(فراشبندي، ۱۳۶۵: ۱۴۲) رئیس‌علی دلواری مقاومت در مقابل دشمن و بحرانی ساختن اوضاع و احوال و نامساعد نمودن محیط و شرایط را باعث توقف افراد نیروی دشمن در بوشهر می‌دانست و حریمی برای مبارزه خود نمی‌شناخت و از این لحاظ مرتباً قرارگاههای

^۱ به نقل از: اسماعیل نورزاده بوشهری، مجله خواندنیها، شماره ۸، شنبه ۲۲ مهر ۱۳۲۳ شمسی.

سریازان هندی و انگلیسی را در حومه بوشهر مورد تعرض و حملات شبانه قرار می‌داد. انگلیسی‌ها در اثر رشادت و پایداری رئیس‌علی و تفنگچیان او، مجبور به عقب نشینی شدند. مقارن همین اوقات بود که سر و کله «واسموس» یکی از مأموران بر جسته آلمان در تنگستان پیدا شد. او با شنیدن مقاومت‌های رئیس‌علی دلواری دست به کار شد و زایر خضر خان اهرمی را به یاری رئیس‌علی برانگیخت.(سپهر، ۱۳۶۲: ۷۸)

با وجود موفقیت‌هایی که رئیس‌علی در مبارزه با نیروهای انگلیسی به دست آورده بود، ناگهان مورد هجوم یکی از همراهان خود قرار گرفت و به شهادت رسید. نیروهای تنگستانی هم که عملیاتی را برای مبارزه با نیروهای انگلیسی تدارک دیدند، متهم شکست شدند. ادامه درگیریها در بوشهر و شیراز باعث شد که انگلیسیها از ادامه اشغال بوشهر صرف نظر کنند. پرچم انگلیس از دارالحکومه بوشهر(عمارت امیریه) پایین آورده شد(همان: ۲۱۶، مشایخی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) و پرچم ایران جای آن را گرفت و یک حاکم دست نشانده ایرانی و طرفدار انگلیس نیز به حکومت بنادر، گماشته شد(یاحسینی، ۱۳۷۶: ۱۸۷؛ مابرلی، ۱۳۶۹: ۱۵۷) و در ظاهر به اشغال نظامی بوشهر خاتمه دادند هرچند که آنها نیروهای نظامی خود را در منطقه نگه داشتند.

تصرف بوشهر در سال ۱۳۳۳ق./۱۹۱۵م. و قتل رئیس‌علی دلواری و مبارزه با مردم دشتستان و تنگستان تأثیر عمده‌ای در نگرش ضد انگلیسی و رواج انجزار عمومی از سیاست‌ها و اتباع آن در جنوب ایران داشت. علاوه بر احساسات ضد انگلیسی عوامل دیگری نیز برای شورش‌ها و مخالفتها فراهم بود؛ عواملی مثل قحطی، گرانی و کمبود ارزاق، تضاد میان فرمانفرما والی فارس و صولت‌الدوله و نفوذ برخی از آلمانی‌ها مثل واسموس که همچنان میان عشایر جنوب فعالیت داشت و به آنها نوید فتح می‌داد. به ویژه که در بهار ۱۳۳۶ق./۱۹۱۸م.، جنگ در جبهه غربی به نفع دولت‌های مرکزی در جریان بود(مابرلی، ۱۳۶۹: ۳۷۶)

مقاومت‌های مردم و سران قبایل باعث شد تا انگلیس نیرویی با عنوان تفنگ‌داران پلیس جنوب^۱ را در سال ۱۳۳۴ق./۱۹۱۶م. به فرماندهی سریرسی سایکس تشکیل دهد.

^۱ S.P.R (اس. پی. آر) نام اختصاری South Persia Rifles، که ایرانیها آن را «اسپیار» تلفظ می‌کردند.

نیروهای محلی صفحات جنوبی کشور مثل اسماعیل خان صولتالدolle فشقایی، ناصردیوان کازرونی، زابر خضرخان اهرمی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، غضنفر السلطنه برازجانی، و برخی از خوانین بلوچستان، درگیریهای زیادی را با تفنگداران پلیس جنوب داشتند که در برخی از آنها شکست خورده و در برخی نیز موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند.

موقعیت برتر ایران در طول جنگ باعث شد تا همزمان مورد توجه قدرت‌های درگیر در جنگ مثل روسیه، انگلیس، آلمان و عثمانی واقع شود. در نهایت این انگلیس و روسیه بود که توانست از این موقعیت بهترین استفاده را ببرده و نیروهای رقیب را نه تنها در ایران بلکه در طول جنگ شکست دهند.

در مورد حوادث سال‌های جنگ جهانی اول اسنادی که برجای مانده است ما در بازسازی و تحلیل بهتر وقایع یاری می‌رسانند. لذا در ادامه این مقاله چند سند موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی مربوط به وقایع این سال‌ها و مرتبط با حوادث بوشهر آورده می‌شود.

۱۲۳۲

۶ مخربین کی مدد و تسلیم لئے ترس نہیں فراہم کیا۔

دھوکہ کی زارت نہ ہے لور فروریہ و پسیح تھات کورت ٹائیڈ ناگزیر خصہ دارم نہیں کہ
ترنڈ دنست ٹھلے کانہ دنست و جلہ کی پیغامات مدد دے بلکہ اپنے تھوڑی ہر قسم کی بچکانہ سبھیں کر دیں

للهک زندگان
لذوق درود نوچار اند لام بسیار رفیق را باز و سر برداشته بخواه که میر ده همراهان خد و خود را بعد از خفا کر
دست زنده بخواهد لوره برق آن را فتح و فتح عدالت جزوی خواهد و سلسله بجز خشم خواه است بروانه ایه
لشدن شیوه بزید علاوه عذر نهاده بخطم شد و میر عذر خواهی خان را راست بخوبی بازد را لذت خفت
نه و ملطف رفایده و دو خدمه باشد هماجع البصر میتوان تقدیم شد نوچار از دله بمحض عیت این کاره
همیست و داشت خدیمه که میرزا خسروان خشرس میخواهد هر چند نمیتوان صبر رفاقت شد و از این دستور
جهالت حکایات عرضه و پوشیده نیزه داد تحقیره ایان را خشنگ نمیگزد -

طعن و میزانت نویسندگان این قطعه قطبیه ترتیب است و در آن هر چهار فصل که ایشان را در برداشت داشته باشند

لر زمانیه نزد مرزه خدا غلطیه های است که از قدرت خود عجز شده اند و این قدرت را با خود می بینند

نامزد و بکریه آخوند و مظفر نزدیه دست کشیده ایکھات نهاده علیه خداوند علیه السلام
مرآتندیه محمد آذن در آنچه نمی‌بینیم خود را درین داشت که خود را درین شرح مذاقت نهاده
رسانده موقایعه آنچه دیدم که نهاده داشت دلخواست داشت من فخر شخاشه ای ای پدر سیده
نهاده صدیقه ای ای ملکزاده هدایت و بالطف مانع عدم را کنند تمعن شده که خود را در
بعینه شده ای ای ملکزاده هدایت و بالطف آنها را غیربرانیه مکرانی می‌داند ای ای ای ای ای ای ای
وزن و وزن بگوچب مرآتندیه شفعت کافی و حکم ای
محبته بمنه شفعت تحریره ای
فیله در آنچه داشت مرآتندیه رهیت دارندش دیگر نهاده شفعت دیگر و جو نهاده شفعت

حقیقت و هدایت ششم



هر
ششم

حقیقتی خواهد بود . کامیاب از تکنون در این چنین نویسندگانی
که هم میریستادند و هم شرمندی داشتند و دشمنی
کردند که نیز خود را درکنیل نمایند .
کامیاب از تکنون خواست از این که بدهد و این
شئو ایشان را نیز پیوک نمایند از جایی که پیشتر همان
و هفتمین ادواره
و ایشان را نیز بخواهند و دیگر نمایند . از این طرف رئیس را زدن
بهرز را در آغاز از این سه ایشان . از این طرف قدر تکنون حقیقتی کردند که
طبری را با مردم اطهار نهاد و خواستند که این فضیلی کوئینه والدرا را در
پیش از تکنون فخری را ایجاد کنند و این را پیش از تکنون فخری کردند
نظیر مکانی که خود نیز نمایند از این طبقه دیگر دلایل پذیر نمایند که در
نهضه شفیع استغفار فخری را ایجاد نمایند از این طبقه همچنان که در
منظمن از فخری که این ایجاد کنند و این ایجاد کنند نیز خطر نباشد
پیش از تکنون رفتند .

دایرہ
و دو نکوں ایکٹن کیم بیور
و ایکٹن و آئنر سیس اے دا وڈے روز خانہ و فیڈنگ درارڈ -
بیون ایم وی دیتھر فرم، دیو، دیا اگر دنیا پر اسی دیو کوں نہ ازد
کے دا کینے بیویتھ تھر پے طخے ایوان زام ردد،
پا اور تر

این گھنٹاں جی تھے، دست کوچھ بڑے بڑے مزداد، دودھ، پھر
در پھر پھٹکتے دا دل نہتھ عالم دعویٰ تھے بخیر نہتھ نہتھ لیس
کوئی شے مکروہ نہیں تھی، کوئی دختر اور مردھوڑ پے گھادا تھا اس
کوئی دختر نہیں تھی، سیز بڑے دکھنڑے داچ شہ دھیرنے تھڑہ
بھدا قاتھ ایوان ب دو کردی، تھل انہیں وفیق مہماں دا
قصہ کر دیں، دیوان کو اور قصہ نہیں دیتھل نہتھ عالم اسی
دقیق ٹائیں ایکٹر دا دل کو دوچی اڑاکھوڑ میوس پیج
و حض ریویو تھاں پیچت ایکٹن ایکٹن ازویز سید چوپڑا دیکھ دیکھ
اہر لئوں دیو، بدم دا ایقا دتھ باریکوں کا ز دن دا ست پی
صاحبین ایوان دا دردار بی کیمہ اس دیل انہیں دالی

سوانح تلگرافی رئیسی ژاندارمری فارس در اعتراض مستشاران سوئدی ژاندارمری به اقدامات مأمورین قشون انگلیسی در نقض بی طرفی ایران - ۱۳۳۳ق.



وزارت داخلم

مواد آگاهی هنری فرهنگ و ادبیات
دوره دوازدهم ۱۳۴۲

کنزه که در میان نگرانی دارد، نهایت حسرت نموده تندیک
نمیگیرد و نهایت نگرانی خواهد بود، هر چند این کار را کنید
باشد هم از آن نگرانی نداشته باشید، این نیز نگرانیست
که کوئین شده باشد و نگرانی نگرانیست، این نیز نگرانیست



وزارت داخله

سواند گرایی همچنان فریادهای ساز در
موروخه ۱۴۰۱ رشته از میان ۳۲۷

ستمینی وزارت صنایع دارای رئیسیت میباشد که موقعاً دروزگار فرماندار نموده
است که در دوره خوشتر کار و اداره زیرین سعدیه نامه از برادر پسرش میرزا
حسین و ذرت برابر باشد که این نامه میرزا خوشیه در سفره از این داده

صوایم و ایام / دنیا

گزارش ورود قشون انگلیس به بنادر جنوب و تعداد آنها - ۱۴ رمضان ۱۳۳۳ق.

اداره ثبت اسناد و اسناد علنی ایران		نامه کتاب	نامه شبهه
تاریخ و مولوی	تاریخ اصل توثیقات	مددکاریات	نامه غصی
سالور ۱۴۰۰	۱۲۰	۷۷۸	۱۸۱
سالور ۱۴۰۰	۱۱۰	۲۲۱	۱۸۰

تمامی در این سه نامه از اسناد اولیه در برداشته شده است اینها مربوط
درین کمی عرضی نمایند که طبق محتوا از اسناد اولیه از دستور
و مطابق با آن ۱۵۰ بیان می شوند این اسناد از دلخواه خارج
از سند مذکور نبوده این متن می خواهد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
در این سند از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
می خواهد این اسناد از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
غیر نمایند این اسناد از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
می خواهد این اسناد از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
می خواهد این اسناد از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور
می خواهد این اسناد از اسناد اولیه می باشد این اسناد از دلخواه که طبق مذکور



نمره نمره ۱۶



اداره تاریخی دولت علیه ایران

نمره کتاب	نمره قبض	بعض	عدد کلمات	تاریخ اصال	توصیحات	تاریخ وصول	نامه
۱۳۳۳	۲۲	=	۷۰	۱۴	میرزا	رمان	میرزا

طنز از زن طرز ناطع کو ط کریمی فخر خان و می در
این روز را از آنها آینه صورت
گشته) دولت از دور از این میمه از این روز می در می در می در
گشته
آقچ جع (آقچ جع خان طمع نسلی خونج دذ سفید
می داشت بدهی از این روز شنیدن پر
طمعن جع کو صه می بیندند که در ۱۹ (در ۱۹) ایام
و با او چشم، ریز



Schiraz, le 8 Aout 1915

Traduction

Colonel Edward

Eckertem

Urgent

Selon rapport les Anglais ont occupé Bouchir et pris dans leurs mains toutes les Administrations stop On a donné un ultimatum aux postes de la Gendarmerie et les ont forcés de quitter deux sortes. Je ne sais pas quelles postes mais probablement Bouchir et Meaghun. Le Consul Anglais n'a communiqué ça.

(S) ~~Organization~~

۱۹۱۰ مارس

ریج - دریں

a
-
-



وزارت امور خارجه
کرده ام بعد شد هست صادر پادشاه در وقتی است از شاه نهیں در داده های کنون زینه بود، بازیست رایج نباید باشد

اداره

سواه

مورخه

نحوه

و زیارت امور خارجه کرده ام بعد شد هست صادر پادشاه در وقتی است از شاه نهیں در داده های کنون زینه بود، بازیست رایج نباید باشد
و زیارت امور خارجه شغل دیبا تبریزی، مررت ایده است در صدر یکی علی گلچی طبع غافت آن شیخ جلال خان که در این کاخ زندگی می‌نماید
الفسر و خوانه باکنده پسر از شاهزادگان را با خود برداشت کرده و بیش به از پیشتر شد که بوده بیکن و دلخواهیه می‌زین
و این علیکم در این اتفاق نگذارد، این چند نظر نهاد پس در حکم عده نامه در این بحث خوب است بعدهم فراز کرد و بجز این
دشوار از وظیفه از استفاده از کار و خزانه دلوکاری نمکدم به صورت ساده مکروه و از معاصی کشک و شرک و دشمنه نگاه نمایم
این نکته که بیکشید و خود درینه نایاب دنیا پیغامبر حضرت پیغمبر اکرم (ص) در این عالم گذاشت: «کافی است که این
مشی و یکی که در پیکار از مرز نزدیک ۱۰۴ مرز پیش ۲۵ هجری کرم پیشنهاد شده بود از این دو کس خوبی نهیان و دلکشی که این
بهم بینیم و نیز بگذار که طلاق عرض کنند و مکن زنگین از سمعی حافظت نمکند و نیکیه برجسته در این امر نیست
بیش که درینه این را ایضاً را می‌دانند و این عرض کیمی از جهانگیری نیان نامن دارد، این شرکها را بر میدانم نمکر
لدو از امر از زین شعر پیشتر از زین عرض نمکند و شرکت را برای زینه دارد که: «ماچ رم بزست ذممه و ریا
گزنه نیکشند و مرزه دلکشی هر رای بزم می‌پیشند و درین مدت بیون، مررت غص نزدیک شد و نهاده بزم
اطبع عموم طبعی رسیده و مشرب سایه

رسیده جهیز

هجوم دشتنی ها به اتباع انگلیس به تحریک و اسموس، لزوم تجهیز قوا

جهت حفظ امنیت در منطقه (بوشهر)



در عرضت رنگ

وزارت امور خارجه

اداره حوزه علمیه

سوانح ملکه اف. رسر ارچنزو پاپا
مو. خ. همایون شفیعی ۱۳۳۳

نمره ۱۳



منابع:

- رکن زاده آدمیت، محمد حسین، (۱۳۷۰)، **دلیران تنگستانی**، چاپ نهم، تهران، اقبال.
- سپهر، احمد علی (مورخ الدوله)، (۱۳۶۲)، **ایران در جنگ بزرگ ۱۸-۱۹۱۴**، چاپ دوم، تهران، ادیب.
- فراشبندی، علیمراد، (۱۳۶۵)، **جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کاکس، سرپرستی، (۱۳۷۷)، **گزارش‌های سالانه بوشهر**، ترجمه حسن زنگنه، به کوشش عبدالکریم مشایخی، تهران، انتشارات پروین.
- ما برلی، جیمز، (۱۳۶۹)، **عملیات در ایران**، به کوشش کاوه بیات، تهران، رسا.
- مشایخی، عبدالکریم، (۱۳۸۶)، **خليج فارس و بوشهر: روابط سياسی و اقتصادي ايران و اروپا در سالهای ۱۳۳۹-۱۹۲۰/۱۳۰۸-۱۸۹۰**، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
- وادala، ر، **خليج فارس در عصر استعمار**، (۱۳۵۶)، شفیع جوادی، تهران، سحاب.
- هدایت، مهدی قلی خان (مخبرالسلطنه)، (۱۳۶۱)، **خاطرات و خطرات**، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی زوار.
- یاحسینی، سید قاسم، (۱۳۷۶)، **رئيس علی دلواری**، تهران، نشر شیرازه.



